



مقاله پژوهشی مقایسه زبان تمثیلی و تحت‌اللفظی خشم در امثال و حکم

دهخدا

سیمین خیری^۱، خاور قربانی^۲، نسرين چیره^۳

چکیده

بررسی نوع بیان مفاهیم در ادبیات یکی از موضوعاتی است که می‌تواند در تأثیرگذاری و شناخت بیشتر کارکردهای انواع ادبیات مؤثر باشد؛ بنابراین این پژوهش، ابتدا بر اساس مبانی نظری خشم در روان‌شناسی، به جمع‌آوری ضرب‌المثل‌های مربوط به آن، در مثل‌های فارسی کتاب امثال و حکم دهخدا پرداخته و بعد از جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌ها، ساختار زبانی و نوع بیان آن‌ها را از دو دیدگاه تمثیلی و تحت‌اللفظی بررسی کرده است؛ در نهایت این دو نوع بیان را باهم مقایسه نموده و در پاسخ به این سوال که آیا در مثل‌ها خشم، بیشتر به صورت تمثیلی بیان شده است یا تحت‌اللفظی؟ به این نتیجه رسیده است که از بیان تمثیلی بیشتر برای بیان مفهوم خشم، انواع و علائم آن بهره گرفته شده است اما در بحث راهکارهای مدیریتی بیان مستقیم و تحت‌اللفظی بسامد بیشتری دارد. دلیل این دوگانگی انتزاعی بودن مفهوم خشم است که جهت تبیین آسان آن با توجه به مخاطبان عامه مثل، تمثیل به کار برده شده است اما وقتی سخن از راهکارهای آن است برای فهم راحت آن‌ها از انواع جملات خبری و مستقیم استفاده می‌شود. روش تحقیق تحلیل محتوای تحلیلی استنباطی است و نمونه موردی پژوهش، کتاب چهارجلدی امثال و حکم دهخداست. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از فیش‌برداری استفاده شده است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها استقرائی است.

واژگان کلیدی: ضرب‌المثل‌ها، دهخدا، خشم، بیان تمثیلی، بیان تحت‌اللفظی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۵

۱. دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، مهاباد، ایران

nasrin.chireh@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، مهاباد، ایران (نویسنده مسئول)

ghorbanikhavar@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، مهاباد، ایران. Nasrin.chire@gmail.com

مقدمه

یک مفهوم در قالب گفتار یا نوشتار، می‌تواند هم به شکل مستقیم و تحت‌اللفظی بیان شود؛ یعنی مفهوم را به‌طور مستقیم منتقل کند و هم به‌صورت تمثیلی. برتری این دو زمانی مشخص می‌گردد که با بیان مفهوم و فهم مخاطب تناسب داشته باشد؛ یعنی ابزار مناسبی برای انتقال مفهوم باشد و بتواند هدف غایی نوشتن را برآورده کند؛ به‌عنوان نمونه در مفاهیم انتزاعی مانند خدا و مفاهیم معنوی بیشتر شاهد نمود تمثیل هستیم. این شیوه کاربرد سبب شد تا در این جستار نحوه کاربرد این دو نوع بیان (لفظی و تمثیلی) در بیان یک مفهوم انتزاعی مانند خشم در ادبیات بررسی و مقایسه گردد. برای نمونه پژوهش ضرب‌المثل‌ها انتخاب شدند چون مخاطب عامه دارند. از میان فرهنگنامه‌هایی که برای این نوع ادبی تدوین شده‌اند امثال و حکم دهخدا انتخاب شده است. گفتنی است که منظور از تمثیل در این مقاله تمثیل روایی نیست بلکه تمثیل فشرده^۱ است؛ بنابراین در این مقاله، پس از بیان کلیات پژوهش به مقایسه بیان تمثیلی و لفظی مثل‌هایی پرداخته شده که مضمون خشم و انواع، علائم و مدیریت آن را بیان نموده‌اند و درنهایت ملاحظه می‌گردد که در مفاهیم انتزاعی مانند علائم خشم ما با بسامد تمثیلات فشرده سرو کار داریم اما در بخش راهکارهای مدیریتی که نیاز به آگاهی دارند و هدف تعلیم است، از بیان لفظی و مستقیم استفاده شده است.

بیان مسئله

یکی از هیجانانی که در علوم انسانی بسیار به آن توجه می‌شود، «خشم»^۲ است. تعریف و تصور ما از خشم معمولاً تعریف از جنبه احساسی آن است؛ اما در واقع خشم در روانشناسی دارای چهار وجه است؛ «احساس درونی یعنی آن قسمتی از هیجان که در ذهن و درون ما شکل می‌گیرد؛ علائم فیزیولوژیک همان تغییرات جسمی و بدنی ماست در مواجهه با احساس خشم، رفتار بیرونی به معنای مؤلفه‌های رفتاری که ناخودآگاه در هنگام خشم بروز می‌یابد و درنهایت هدف خشم» (ریو، ۱۳۸۸: ۳۱۴-۳۱۸) که چون وجه چهارم بیشتر قابل مشاهده و اندازه‌گیری است و هنگام مشاهده رفتار باید به آن پرداخت، در این مطالعه بیشتر به بررسی سه وجه نخست آن پرداخته خواهد شد. «یکی از انواع ادبی که می‌تواند در قالب خود به شکل علمی به نمود هیجانان و به تبع خشم انسان بپردازد، «ضرب‌المثل» است. این نوع با توجه به اینکه یکی از فروع ادبیات عامه است» (بلوک‌باشی،

^۱ این نوع تمثیل با عنوان اگزمپلوم (exemplum) - مثال یا مثالک در دوره معاصر نام گرفته است.

^۲ anger.

۱۳۷۴: ۲۲)، به اقتضای نیاز مخاطبش، علاوه بر نمود هیجان، می‌تواند بازگوکننده شیوه مدیریت آن‌ها در میان عامه مردم باشد. شاهد این ادعا، کتاب «ابری بشید و نبارید» (۱۳۹۶) است که راهکارهای ساده و کاربردی برای مدیریت خشم در زندگی را مطرح می‌کند و عنوان آن از یکی از مثل‌های فارسی «ابر کن و مبار» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۷۸) گرفته شده است. پس با توجه این کارکرد، ضرورت دارد به بررسی خشم در این نوع ادبی پرداخته شود.

گفتنی است که پژوهشگران زیادی به گردآوری ضرب‌المثل‌ها در قالب فرهنگ‌نامه پرداخته‌اند اما در این جستار، کتاب چهارجلدی امثال و حکم دهخدا به عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شده است. پس از جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌های مربوط به خشم، به بررسی ساختار زبانی و نوع بیان آن‌ها از دو دیدگاه تمثیلی و تحت‌اللفظی پرداخته شده است و در نهایت میزان بسامد آن‌ها با استفاده از ترسیم نمودارهایی که از داده‌های تحقیق استخراج شده، سنجیده و باهم مقایسه شده‌اند، در نهایت این نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

خشم به عنوان یکی از هیجانات انسانی، به طور علمی در رشته‌های مختلف علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، معارف دینی و حقوق مورد بررسی قرار گرفته و در مورد مباحث مختلف آن، مانند شناخت این هیجان و راهکارهای کنترل و مدیریت آن، تحقیقات و بحث‌های متعددی صورت گرفته است؛ این تلاش‌ها بر اهمیت این موضوع، تأثیر و عواقب زیادی که در زندگی دارد، دلالت می‌کند. در بین رشته‌های فوق جای ادبیات خالی است و با توجه به اینکه یکی از انواعی که می‌تواند در قالب خود به شکل علمی به نمود هیجانات انسان پردازد، «ضرب‌المثل» ها هستند و به ویژه بررسی نوع بیان و ساختار زبانی آن‌ها می‌تواند دریچه جدیدی را در مباحث ادبی باز نماید.

سؤالات تحقیق

این مقاله درصدد است از دیدگاه روان‌شناسی به بررسی نمود خشم و راهکارهای مدیریتی آن در ضرب‌المثل‌ها پردازد و به این سؤالات پاسخ دهد که:

۱. مفهوم خشم چگونه در امثال و حکم دهخدا نمود پیدا کرده است؟
۲. ساختار زبانی ضرب‌المثل‌های مربوط به خشم، بیشتر تمثیلی است یا تحت‌اللفظی؟
۳. نتیجه حاصل از مقایسه فوق را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟

اهداف تحقیق

۱. جمع‌آوری و طبقه‌بندی مفاهیم خشم در امثال و حکم دهخدا بر اساس روانشناسی
۲. بررسی ساختار زبانی خشم از دو دیدگاه تمثیلی و تحت اللفظی
۳. مقایسه این نوع بیان در ضرب‌المثل‌های مربوط به خشم
۴. تحلیل و بررسی مقایسه فوق

پیشینه تحقیق

احمد پارسا (۱۳۹۳) در بخشی از کتاب «بررسی و تحلیل علمی و ادبی امثال و حکم پارسی» با عنوان «امثال و روانشناسی» با استناد به شواهدی از آن‌ها بحثی را به بیان حالات و انفعالات ظاهری و درونی در مثل‌ها اختصاص داده است. دو پژوهش در مورد خشم در سایر متون ادبی وجود دارد که نمونه تحقیق و اهداف آن‌ها با این مطالعه متفاوت است؛ یکی از آن‌ها عاطفه‌خدایی و محبوبه میاشری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «روایتگری خشم و ترس در حکایت‌هایی از کلیله و دمنه و گلستان» شیوه تجلی ترس و خشم و نحوه روایت‌پردازی در دو اثر فوق بررسی شده است و به تمثیلی بودن ساختار داستان‌ها اشاره نموده است. دیگری منظر سلطانی و طاهره صادقی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تصویرپردازی عاطفی خشم و ترس در بوستان سعدی» به تصویرپردازی دو هیجان فوق در بوستان سعدی با عناوین و اصطلاحات جدید روان‌شناسی پرداخته‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش «تحلیل محتوای استنباطی» است. در روش تحلیل محتوا، «پژوهشگر پیامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و با روشی کمی (آماري) به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش‌های پژوهشی خود است». (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۷۵) یکی از انواع این روش، تحلیل محتوای استنباطی است یعنی «محقق پس از ارائه آمار و نمودار، مشخصه‌های خاصی از متن (بسامدها) را که با مشخصه‌های خاصی از مضمون یا وضعیت اجتماعی مرتبط‌اند، نشان می‌دهد» (اتسلندر، ۱۳۷۱: ۷۱)؛ این مطالعه هم متناسب با روش انتخابی پژوهش، صرفاً توصیف محتوای متن را مدنظر ندارد، بلکه هدف آن بررسی ارتباط ساختاری داده‌ها با مضمون و محتوای امثال و حکم است. جامعه آماری این پژوهش، کتاب چهارجلدی «امثال و حکم دهخدا» و نمونه آماری تمامی امثال و حکم «فارسی» موجود در این اثر است. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز از فیش‌برداری استفاده شده است.

بحث و بررسی

مقایسه بیان لفظی و تمثیلی انواع خشم، علل و مدیریت آن‌ها در امثال و حکم دهخدا

با توجه به اینکه در روانشناسی، علاوه بر تعریف خشم، به بررسی خشم، علل بروز و ارائه راهکارهای کنترل آن پرداخته می‌شود، در این بحث هم به توصیف کیفی آن‌ها در این سه مقوله پرداخته شده است. طبقه‌بندی داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که کاربرد تمثیل در دو بخش مفاهیم خشم، علائم و علل آن بسامد بیشتری دارد اما در بیان راهکارهای مدیریتی خشم بیشتر از جملات لفظی و مستقیم بهره گرفته شده است؛ بنابراین این بخش به دو قسمت زیر تقسیم شده است:

۱. بسامد بیان تمثیلی در بیان علائم خشم و انواع آن در امثال و حکم دهخدا

الف: خشم مثبت و منفی: خشم از دید روانشناسان دارای دو چهره مثبت و منفی است؛ چراکه از یک سو، «سلاحی قوی برای برخورد و مقابله با تهدیدهای مختلف است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵)، پس مثبت تلقی می‌شود و برای «حیات ضرورت دارد» (خان احمدی، ۱۳۹۰: ۲۲)؛ اما «وقتی از حد تعادل خارج شود و با واکنش‌هایی چون عصبانیت و پرخاشگری همراه گردد، منفی است و باید برای کنترل آن اقدام کرد» (پاترافرون و پاترافرون، ۱۳۷۸: ۲۲۱ - ۲۲۳).

در امثال و حکم دهخدا هم هر دو وجه این هیجان نشان داده شده است و شواهدی برای تبیین وجود این دو وجه وجود دارد. یکی از بارزترین عوامل پذیرفتن هیجان خشم و نفرت به‌عنوان یک هیجان مثبت، فطری بودن آن است؛ به این معنا که در طبیعت و ذات جهان و انسان ما با اضدادی روبه‌رو هستیم که مدام در تقابل باهم قرار دارند و ناخودآگاه تقابل، خشم را به وجود می‌آورد. این تضادها در جهان طوری در کنار هم قرار گرفته‌اند که گویی جزء لاینفک ذات جهانند و در نگاه ما بسیار عادی و طبیعی جلوه می‌کنند؛ طبیعی جلوه دادن این هیجان، در قالب تمثیل‌هایی آورده شده که آورده شده که در آن‌ها هم‌نشینی اضداد مشاهده می‌شود؛ برای مثال، در مثل «چه گونه سازگار آید مزاج آب با روغن!» (دهخدا، ۱۳۹۰/۹۱۴: ۲) یا «کجا دمساز باشد آب و آتش» (همان/۳: ۱۷۳۲) همچنین «بر موش کی بوده است مهر مادری» (همان/۳: ۱۸۴۵)، طرز بیان به‌گونه‌ای است که انگار با یک قانون جهانی سرو کار داریم و وجود اضداد غیرقابل انکار است. تمثیل‌های دیگری مانند «کوسه و ریش‌پهن نمی‌شود» (همان/۳: ۱۸۰۴)، «آب و آتش جمع نمی‌شود»، «آبگینه و سنگ باهم نسازد» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۱۴) از این نوع‌اند پس وقتی تضادها و دشمنی‌ها و خشونت‌ها در جهان وجود دارند باید ظهور و نمود آن‌ها پذیرفته شود.

علاوه بر این، دشمنی‌ها و تقابل‌های دوگانه در جهان، در برخی تمثیل‌ها به وجود هیجان در انسان به شکل یک استعداد یا قوه اشاره شده است: در مثل «مور مار شود» (همان/۲۴۶۲:۴) با این مضمون ظاهری مواجه هستیم که مور ضعیف و ناتوان می‌تواند تبدیل به مار - نماد کینه و دشمنی - شود و در اصل نشان می‌دهد که هیجان نفرت و کینه‌جویی می‌تواند از قوه به فعل درآید. در ضرب‌المثل‌ها هم خشم و واکنش‌های آن منفی دانسته شده و انسان از انجام آن منع شده است؛ گاهی به شکل تحت‌اللفظی مثلاً در مثل «حذر کن ز آزار افتادگان» (همان/۱۰۲۲:۲) یا «کینه‌جویی روش احسان نیست» (دهخدا، ۳/۱۳۹۰:۳/۱۸۲۲). در حالی که این مضمون به شکل تمثیلی هم بیان شده است: «به تیزی مدار آتش اندر کنار» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳:۱/۳۸۷). این مثل همچنین، یادآور تشبیه رایجی در روانشناسی است که خشم را به دیگ پر از بخار تشبیه می‌کنند (غزالی، ۱۳۶۴ / ۲: ۱۰۹) در مثل دیگری «اگر آتش شود، خود را بسوزد» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۱/۱۹۰)، نشان دادن عاقبت وخیم و نابودی فرد در اثر بروز خشم، دال بر این است که ابراز آن نهی شده است.

بسامد تمثیل در بیان علائم خشم در امثال و حکم

همان‌گونه که در تعریف خشم اشاره شد، در بررسی علائم هیجان خشم، روان‌شناسان معمولاً سه بعد را در نظر می‌گیرند: یکی جنبه فیزیولوژیکی؛ یعنی بررسی علائم جسمانی آن، دوم علائم رفتاری و سوم علائم شناختی و تأثیراتی که هیجان بر ذهن می‌گذارد؛ بر این اساس، در این بحث خشم از این سه بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علائم فیزیولوژیکی خشم در ضرب‌المثل‌ها: برخی از علائم ظاهری خشم عبارت‌اند از: «ابروان پایین افتاده و اخمو، سوراخ‌های بینی و چشمان گشاد شده، فک به هم فشرده و به اصطلاح، دندان قروچه - کردن» (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۴:۴۰۸)، «تسریع و تشدید حرکات و گفتار، سفت شدن عضلات، سرخ شدن چهره، افزایش قوای جسمانی و...» (جزایری و دهقانی، ۱۳۸۷:۱۷). در بسیاری از مثل‌ها هم به توصیف این علائم پرداخته شده است. یکی از آن‌ها بالا رفتن «فشارخون» انسان هنگام خشمگین شدن است که در مثل‌های «کاردش بزنی خونش در نمی‌آید» (دهخدا، ۳/۱۳۹۰: ۱۷۱۰) و «نشتش بزنی خونش نمی‌آید» (همان/۲۵۴۱:۴) مشاهده می‌شود و در نتیجه همین علامت، چهره سرخ می‌گردد و افراد خشمگین به خون تشبیه می‌شوند (همان/۳: ۲۰۶۰).

«گشادشدن مردمک چشم» یا شیوه نگاه کردن افراد خشمگین هم در مثل چشم پنگان (فنجان) کردن. (همان/۲۰۹۰۸)، «مثل گربه به روی کسی براق شدن» (همان/۳: ۲۱۲۸)، «مثل شتری که به نعل‌بند نگاه کند» (همان/۳: ۲۰۹۲) و «مثل گاو به چرم گر نگرستن» (همان/۳: ۲۱۲۶) بازنمایی شده است. از علائم دیگر افراد خشمگین «انخم و ترش‌رویی» است که در مثل‌ها، افرادی که این علائم را دارند مثل «بخت‌النصر» (همان/۳: ۲۰۲۰) توصیف شده‌اند یا این افراد در برخی دیگر از تمثیل‌ها که زیرساخت تشبیهی دارند و به چیزهای تلخ تشبیه شده‌اند؛ مانند مثل‌های «مثل زهرمار» (دهخدا، ۲۰۷۶: ۳/۱۳۹۰)، «مثل زهر» (دهخدا، ۲۰۷۶: ۳/۱۳۹۰)، «مثل هلاهل» (دهخدا، ۲۱۶۲/۱۳۹۰)، «مثل قهوه فجری» (دهخدا، ۲۱۱۳/۱۳۹۰) و «مثل گنه‌گنه» دهخدا، ۲۱۳۲: ۳/۱۳۹۰ زمانی مصداق پیدا می‌کنند که بر اثر حادثه‌ای، حالت خشم و ترش‌رویی و اخمو بداخلاقی بر چهره آشکار شوند؛ بنابراین این مثل‌ها بر حالات چهره افراد دلالت دارند. علاوه بر این‌ها، علائم دیگر این افراد مانند *دندان‌قروچه* کردن انسان در هنگام عصبانیت با این حالت در شیر که نماد خشم و عصبانیت نشان داده شده است: در مثل «نه خنده است دندان نمودن ز شیر» (همان/۴: ۲۵۸۷) و منجمد و بی‌حس شدن در مثل «مثل سندان» (همان/۳: ۲۰۸۲) به خوبی نمایان است.

علائم رفتاری خشم در ضرب‌المثل‌ها: به عقیده روانشناسان از نشانه‌های رفتاری خشم می‌توان به «دشنام دادن، نوسان خلقی، اعمال تکانشی و خصومت» (گل‌من، ۱۳۷۹: ۱۰۵) اشاره کرد؛ بنابراین در این بحث، تمثیل‌های سه واکنش مهم و اصلی خشم یعنی عصبانیت، پرخاشگری و نفرت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بازنمایی رفتاری افراد عصبانی در قالب تشبیهات تمثیلی و بیشتر از تشبیه به حیواناتی که نماد عصبانیت هستند، استفاده شده است؛ در مثل‌های مثل «خرس تیرخورده» (همان/۳: ۲۰۵۷)، «مثل خوک» (همان/۳: ۲۰۶۰)، «مثل سگ» (همان/۳: ۲۰۸۰)، «مثل سگ‌هار» (همان/۳: ۲۰۸۱)، «مثل قوچ» (همان/۳: ۲۱۱۲)، «مثل مار» (همان/۳: ۲۱۳۸)، «مثل برج باروت» (همان/۳: ۲۰۲۰) این نوع رفتار مشاهده می‌گردد.

یکی از واکنش‌های خشم که نوعی پرخاشگری کلامی هم محسوب می‌شود، دشنام است؛ مثلی درباره شیوه باز کردن دهان هنگام دشنام دادن «یک لیش زمین را جاروب می‌کند یک لیش آسمان را» که در آن هرچند (همان/۴: ۲۸۵۴) اغراق مشاهده می‌شود اما توصیف زیبایی کرده است. کسانی که دشنام می‌دهند و بدویبراه می‌گویند به خاطر شدت خشم هر چه به زبان‌شان بیاید می‌گویند و در این حالت به آن‌ها گفته می‌شود «کفرش بالا آمد» (همان/۳: ۱۷۶۸) و این فرد بر آسمان هم تف می‌اندازد «آب بر

آسمان انداختن» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۳) و گفتارش بوی جنگ و جدال می‌دهد «بوی خون از گفتار کسی آمدن» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۴۷۴) علاوه بر این‌ها برخی مثل‌ها در مورد افرادی هستند که جاروجنجال و سروصدا راه می‌اندازند مانند «مثل ترقه فرنگی» (دهخدا، ۳/۱۳۹۰: ۲۰۳۴)، «مثل شرف جنجال» (زنی معروف به پرگویی و دادو فریاد) (همان، ۳/۲۰۹۲) و «مثل رعد» (همان، ۳/۲۰۶۹).

مسخره کردن (پرخاشگری کلامی) یکی از اعمالی است که ما در هنگام خشم مرتکب می‌شویم در تمثیل‌های مگر از ده آمده‌ای (دهخدا، ۴/۱۳۹۰: ۲۴۲۱) یا مفت مفت (دهخدا، ۴/۱۳۹۰: ۲۸۳۲) تحقیر کردن و جریحه‌دار کردن غرور و کاهش پایگاه اجتماعی افراد به زیبایی انعکاس یافته است. یا عبارت «پیاز هم خود را داخل میوه‌ها کرده است» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۵۱۸) یا مثل «تو که چراغ نبینی با چراغ چه بینی» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۵۶۵) هم این مضمون مشاهده می‌شود.

خشونت فیزیکی یکی دیگر از موارد پرخاشگری است که در مثل‌ها به آن اشاره شده است؛ در مثلی «باهم دست‌به‌گریبان شدن» این‌گونه توصیف شده است: «مثل چین قبا درهم افتادن» (همان، ۳/۲۰۴۵) یا در مثل «پنجه، خونست» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۵۱۴) با تصویرسازی آغشتگی دست به خون، تصویر یک فرد خشن ترسیم شده است. در مثل‌های دیگری فرد خشن به حیوانات درنده تشبیه شده است: «مثل سگ پاشنه همه را گرفتن» (دهخدا، ۳/۱۳۹۰: ۲۰۸) و «مثل گاو جنگی» (همان، ۳/۲۱۲۶). اعلام جنگ کردن در «مشت و درفش» (همان، ۴/۲۴۰۴).

علائم شناختی خشم در ضرب‌المثل‌ها: علائم شناختی یعنی «تأثیراتی که خشم بر ذهن و قوه عقل انسان می‌گذارد. وقتی ما خشمگین می‌شویم علاوه بر تغییرات فیزیکی و رفتاری از لحاظ شناختی هم با تغییراتی مواجه هستیم مانند خودگویی منفی، کاهش تمرکز و... خودگویی منفی به افکاری اطلاق می‌شود که در واکنش به موقعیت خشم برانگیز، به ذهن افراد خطور می‌کنند» (پیوریفوی، ۱۳۸۶: ۱۴۰). برخی از مثل‌ها وجود دارند که می‌توانند بیانگر خودگویی‌های منفی باشند که از جانب کسی که خشمگین شده، گفته می‌شود و همگی از لحاظ بیانی دارای ساختار جمله‌ای مشابه هستند و در قالب جملات تمثیلی ذکر شده‌اند: «مگر سگ هارم گرفته است» (همان، ۴/۲۴۲۴)، «مگر من برمکی هستم» (همان، ۴/۲۴۲۵)، «مگر شما از عقدی هستید ما از صیغه» (همان، ۴/۲۴۲۴)، «همان، ۴/۲۴۲۵» (مگر شمارا خانم زاییده ما را کنیز/ خانم» (همان، ۴/۲۴۲۴؛ همان، ۴/۲۴۲۵) که همگی از لحاظ بیانی دارای ساختار جمله‌ای مشابه هستند و در آن‌ها همنشینی واژگانی چون سگ هار، برمکی، کنیز نشان از علائم شناختی گویند هنگام خشمگین شدن دارد.

عدم کنترل یا کاهش تمرکز که هنگام خشم بروز می‌کند، یکی دیگر از علائم شناختی است که در برخی از شواهد مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال در «نگون کرده زین و گسسته لگام» (همان/۲۵۶۵:۴) فرد خشمگین به انسان شکست‌خورده‌ای که افسارش را از دست داده، تشبیه شده است. علاوه بر این‌ها، در هنگام خشم انسان دچار تحریف‌های شناختی می‌شود؛ یعنی پدیده‌ها و وقایع را آن‌گونه که هستند، نمی‌بیند. یکی از مثل‌هایی که نشان از تحریف شناختی از قضایا در هنگام خشم و نفرت دارد این مثل است: «گل است سعدی و در چشم دشمنان خار است» (همان/۳: ۱۹۰۲)؛ واژه دشمن نشان می‌دهد که نفرت باعث شده که واقعیت شخصیت سعدی (گل)، کاملاً برعکس (خار) دیده شود. این تحریف شناختی از مضمون این مثل «هنر به چشم عداوت بزرگ‌تر عیب است» هم استنباط می‌گردد.

بسامد ساختار لفظی در بیان عوامل ایجاد خشم و مدیریت آن در امثال و حکم

الف. عوامل ایجاد خشم

به‌طور کلی خشم «واکنشی ساده در برابر هر تهدید و ناکامی است» (تاوریس، ۱۳۷۳: ۳۵) اما اگر دقیق‌تر به این مسئله نگاه کنیم، عوامل پیدایش خشم و واکنش‌های آن زیادند؛ «عواملی مانند بی‌احترامی، سخن‌چینی، درشت‌گویی، تمسخر، ستیزه، مجادله، ظلم و ستم، بی‌عدالتی، مداخله بی‌جا و...» (همان) آتش خشم و نفرت را در درون انسان روشن می‌سازد.

مهم‌ترین عامل آن در ضرب‌المثل‌ها همان‌طوری که اشاره شد، همان فطری بودن و وجود اضداد در طبیعت جهان و موجودات که چنانچه در مباحث پیش، اشاره شد بیان بیشتر به شکل تمثیلی بود تا لفظی اما غیر از این دو عامل کلی به عوامل دیگری هم اشاره شده است که در زیر آورده به آن‌ها اشاره خواهد شد.

حسادت: یکی از ریشه‌ها و علل خشم، حسادت است؛ چون حاسدان از امتیازات و شادی دیگران خشمگین می‌شوند؛ این عامل از واژه گوهر در «گوهر را هزاران دشمن است» (همان/۳: ۳۱۹۲۴) برداشت می‌شود؛ چون بیانگر این نکته است که گوهر - نماد افراد صاحب‌امتیاز - مورد نفرت و دشمنی قرار می‌گیرد. رابطه خشم و حسادت در مثل‌ها باعث شده که برخی از مثل‌ها، مضمون «خشم رقابتی» را مطرح کنند و حسادت‌ها و رقابت‌هایی را که منجر به خشم و تضاد بین افرادی که در یک رتبه و تراز هستند، نشان دهند؛ مانند «محرم دارا درید پهلوی دارا» (همان/۳: ۲۱۶۹)، «همکار، همکار را دشمن است» (همان/۲۷۷۵:۴)، «همکار، همکار را نمی‌تواند دید بیکار هیچ‌کدام را» (همان)،

«هم پیشه هم پیشه را دشمن بود» (همان/۴: ۲۰۶۴) و «مهمان، مهمان را نمی‌توان دید صاحب‌خانه هیچ‌یک را» (همان/۴: ۲۴۷۴) این شواهد چنانکه ملاحظه می‌گردد بیشتر بیان تحت‌اللفظی هستند تا تمثیلی.

تحریک کلامی و فیزیکی: یکی از عوامل بروز خشم علل رفتاری دیگران یا تحریک کلامی یا فیزیکی فرد است. در مثل «جواب ترکی به ترکی» (همان/۲: ۸۷۴) و «بگرد تا بگردیم» دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۱ حاکی از این است که اگر به شکل کلامی یا فیزیکی با خشونت مواجه شویم باید مقابله به مثل کنیم یا در «باشد مرد ستم رسیده ستمکار» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۳۶۴) نشان می‌دهد که فردی که مورد ستم واقع شود، همین رفتار را پیش می‌گیرد. چنانکه از این عبارات هم برمی‌آید مثل به صورت لفظی بیانگر مفهوم است و از تمثیل بهره گرفته نشده است.

نداشتن عقل و منطق: انسان دانا و صاحب‌فکر هرگز نزاع را مواجهه منطقی نمی‌داند و درصدد راهکارهای دیگری برمی‌آید؛ مثل‌های «نه دانا بود مردم جنگجوی» (همان/۴: ۲۵۸۸) و «هست از جهل، محنت و بیداد» (همان/۴: ۲۷۵۶) بیانگر همین مضمون هستند.

ب. بسامد بیان لفظی در بیان راهکارهایی برای مدیریت خشم در امثال و حکم دهخدا

در این بحث برای بررسی دقیق‌تر و بر اساس ظرفیتی که داده‌های تحقیق ایجاب می‌کنند، راهکارهای مدیریتی در ضرب‌المثل‌ها به سه مرحله قبل از خشم، هنگام خشم و بعد از خشم تقسیم شده‌اند همان‌طوری که از شواهد بررسی شده می‌توان استنباط نمود، نوع بیان در این قسمت بیشتر به صورت لفظی و مستقیم است.

راهکارهای قبل از خشمگین شدن

شناساندن پیامدهای رفتاری: بدون شک افراد اگر از ماهیت، نمودهای درونی و بیرونی و عواقب منفی یک هیجان آگاه باشند، راحت‌تر درصدد کنترل آن برمی‌آیند. پس با تأکید بر اینکه ستم و دشمنی به قهر و نابودی و عواقب بسیار بدی منجر می‌شود، در مثل‌های «مقهور شود لشکر سلطان ستمکار» (همان/۴: ۲۴۱۶)، «ملک را ستم شاه برکند بنیان» (همان/۴: ۲۴۳۲)، «بداندیش را بد بود روزگار» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۴۰۰) و «بر بدکنش بیگمان بد رسد» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۴۱۵) پشیمانی از ابراز خشم و خشونت در مثل «بیدادگر بر بیاید گریست» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۳۸۰) هم نوعی تنبه است که به صورت مستقیم و خبری به آن اشاره شده است. یکی از دلایل این پشیمانی مقابله به مثل دیگران است: «چو دشنام‌گویی دعا نشنوی» (همان/۲: ۹۵۹) و دیگری این است که ستم و خشونت در بسیاری از

موقعیت‌ها کارگر نیست: «بیداد را نیست با داد پای» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۴۸۵) چنانکه ملاحظه می‌گردد در این شواهد هم مفهوم از لفظ عبارت و ظاهر آن به راحتی استنباط می‌گردد.

راهکارهایی هنگام خشمگین شدن

بیشترین راهکارهایی که در مثل‌ها آمده‌اند، برای کنترل خشم درباره زمانی است که ما دچار این هیجان می‌شویم و عبارتند از:

الف. تخلیه و ابراز خشم: یکی از روش‌های کنترل خشم، تخلیه و ابراز آن است. اگر «افراد عصبانی که به رفتارهای غیرتهاجمی اما بیانگر دست بزنند، موجب کاهش تنش و تحریک آنان شده و تمایل به رفتارهای خشن و پرخاشگرانه تضعیف می‌شود» (میرزا بیگی، ۱۳۸۷: ۱۱۶). در برخی از مثل‌ها ابراز هیجان خشم طبیعی جلوه داده‌شده و حتی تشویق به این کار در لحن کلام مشاهده می‌شود؛ مثلاً در مثلی که قبلاً به آن اشاره شد، ابر کن و مبار و آن را به‌عنوان یکی از نمونه‌های خشم متعادل برشمردیم، «ابر کردن» استعاره از ظهور هیجان و احساس خشم است اما چنانکه جمله بعد نشان می‌دهد، «باریدن» در این مثل که کنایه از پرخاشگری است و ممنوع. اما برخلاف این مثل گاهی مقابله به مثل و ناچار از دشنام دادن هم در برخی مثل‌ها آمده است: «با گرانان به از گرانی نیست» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۳۶۷) یا «جواب ترکی به ترکی» (دهخدا، ۲: ۸۷۴/۱۳۹۰) و «بگرد تا بگردیم» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۴۵۳)، هرچند با سه مثل متفاوت از لحاظ واژگان و جمله مواجه هستیم اما مشاهده می‌شود که همگی دال بر یک مضمون هستند؛ در صورت جنگ (با الفاظی مانند گرانی دیگران / کشتن و جنگ دیگران و یا شنیدن خشونت‌های کلامی و کلام‌های نامفهوم) خشم را نشان بده. دلیل این نوع مثل‌ها همان‌گونه که در مقدمه هم بیان شد، وجود تضاد در جهان و طبیعت است. در مثل «از دشمن خانه چون توان رست» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۱۲۹) هم با لحنی مستقیم، استفهامی و انکاری به همین مضمون اشاره شده است؛ بنابراین گاهی در مثل‌ها برخلاف آنچه در قسمت تن آرامی گفته خواهد شد که با دشمنان، مدارا کن، توصیه می‌شود که «با دوستان بساز بر دشمنان بتاز» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۳۵۵).

ب. تن آرامی: یکی از روش‌های درمان خشم، «آرام کردن یا ساکن کردن جسم است که از طریق خوردن آب، شنا کردن و بازی کردن با آن و حرکات ورزشی انجام می‌گیرد» (میرزاییگی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). سکوت کردن یکی از راهکاری تن آرامی در هنگام خشم است که دو تمثیل «پاشنه دهن را کشیدن» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۴۹۷) و «ترمز را بپیچ» (دهخدا، ۱/۱۳۶۳: ۵۴۶) آن را پیشنهاد می‌کند علاوه بر آن خوردن آب یا خاموش کردن آتش خشم با آب هم در برخی مثل‌ها مشاهده می‌شود؛ مانند

«خشم از آتش است به آب بنشانید» (دهخدا، ۱۳۹۰/۱۰۹۰:۲) یا «آب بر آتش زدن» (دهخدا، ۱۳۶۳/۱):
 (۳) کنایه از فرونشاندن خشم هم می‌تواند بیانگر همین معنا و مضمون است.

نشان دادن نرمی در هنگام عصبانیت از دیگر مواردی است که در مثل‌ها برای پرهیز و قرار نگرفتن در موقعیت‌های پرخاشگرانه توصیه می‌شود؛ به این شیوه که انسان‌هایی که به نرمی برخورد می‌کنند، پرخاشگری هم از جانب دیگران نمی‌بینند. در مثل‌های «درشتی ز کس نشنود نرم گوی» (دهخدا، ۱۳۹۰/۲:۱۱۶۳) یا «درشتی نه زیباست از شهریار» (همان/۱۱۶۳:۲) این مضمون به شکل مستقیم برای مخاطب ارائه شده است. حتی بر این عقیده بودند که اگر با پرخاش و نفرت هم برخورد کردید با نرمی و آرامی باید پاسخ دهید: «چو چرخ آورد کین تو آرام گیر.» (همان/۲:۹۴۷) بنابراین یکی از راهکارهایی که بر آن تأکید می‌شود مدارا و نرمی با دشمنان است در مثل «با دوستان مروت با دشمنان مدارا» (دهخدا، ۱۳۶۳/۱:۳۵۵) به طور مستقیم بر این موضوع تأکید شده است.

ج. از معرکه در رفتن یا سفر رفتن: از قدیم یکی از مثل‌های پرکاربرد زبان فارسی دوری و دوستی بوده است و شاید بر همین اساس هم یکی از راهکارهایی که در مثل‌ها برای کاهش هیجان خشم و دشمنی پیشنهاد شده، دور شدن یا به سفر رفتن است. در مثل «بلای سفر به که در خانه جنگ» (دهخدا، ۱۳۶۳/۱:۴۵۹) ملاحظه می‌کنیم که برای کاهش جنگ در خانه، باید دور شد و سختی‌های سفر را بر بودن و جنگیدن ترجیح داد. مثل «هم دور و هم خصم نتوان بود» (همان/۲:۲۷۷۲:۴) به طور غیرمستقیم بیانگر این است که برای جلوگیری از روابط خصمانه دور شو؛ چراکه دوری یعنی فقدان دشمنی و رابطه دشمنی داشتن.

راهکارهای بعد از خشمگین شدن

الف. تقویت رفتار مغایر: در این روش «به رفتار پرخاشگری فرد توجهی نمی‌گردد و به عبارتی نادیده گرفته می‌شود. به جای آن رفتارهای ضد پرخاشگرانه فرد، مورد توجه و تشویق قرار می‌گیرد. فرد پرخاشگر نیز با تمایز قائل شدن بین این دو موقعیت، رفته‌رفته به سمت موقعیت تشویقی تمایل پیدا می‌کند» (صادقی و مشکبید حقیقی، ۱۳۸۵:۵۹).

استفاده از لفظ مرد و تأکید بر شخصیت مردانگی و انسانیت در برخی مثل‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد، نباید خشمگین شد و به نوعی خشم را که نشانه ضعف است با تقویت انسانیت و قوت مردانگی کنترل می‌کنند. در مثل‌های «مرد نباید که تنگ‌حوصله باشد» (دهخدا، ۱۳۹۰/۴:۲۲۰۱) یا «مردم

باید کو به خشم سخت خود قادر شود» (همان/۲۱۸۹:۴) همچنین «مردی نبود فتاده را پای زدن» (همان/۲۲۰۴:۴) هم این مضمون دیده می‌شود.

استفاده از نور و روشنایی خداوند و یاد او در هنگام خشم که کاری باطل و تاریک است از این موارد است: «نور حق چون برسد ظلمت باطل برود» (همان/۲۵۷۵:۴) و اینکه انسان از جنس خداست و از ظلمت نباید بهره بگیرد «نور ز ظلمت نکند اقتباس» (همان/۲۵۷۵:۴) از همین نمونه‌هاست.

تأکید بر ارزش‌ها و اخلاق درست انسانی و اینکه خشم جزو آن‌ها نیست در این مثل‌ها «مگر مردم آزاری خوب است (یا) واجب است» (همان/۲۴۲۵:۴)، «هر چه نه آزار نه گناه» (همان/۲۶۸۷:۴) و استفاده از مرهم ریش در مقابل دشنام که مانند نیش است در این مثل «مرهم ریشم نه ای ز نیشم بگذر» (همان/۲۲۱۸:۴) نیز از این راهکار استفاده شده است.

ب. **بخشش:** بخشش یکی از راه‌های کنترل خشم تلقی می‌گردد «اگر فرد بتواند آنچه را موجب آزار و ناراحتی‌اش شده ببخشد، عصبانیت او فروکش می‌کند» (واسوانی، ۱۳۸۹: ۷۱). در مثل «چه مرده چه گریخته چه به زنه‌ار آمده» (دهخدا، ۱۳۹۰/۱۰۰۹:۲) هم از مخاطب خواسته شده، کسی را که درصدد ختم دشمنی است و به او پناه آورده، امان دهد و ببخشد و در مثل «از پی دشمن گریخته نباید رفت» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱/۱۱۰) هم بر این مضمون تأکید شده است.

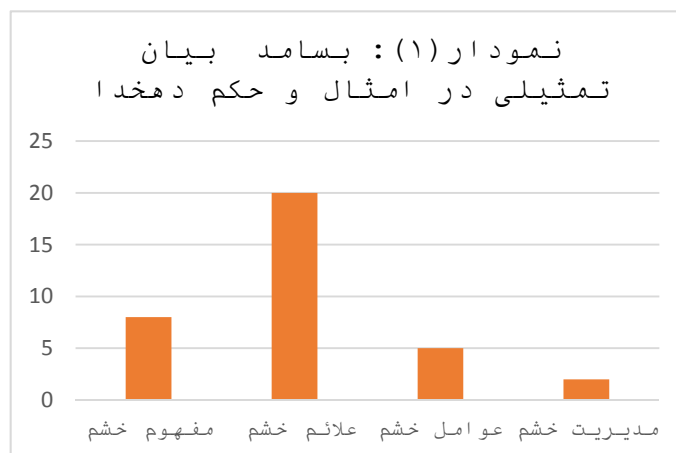
ج. **تنبیه:** برخی از مثل‌ها هم دال بر مضمون تنبیه در مقابل خشم هستند. یکی از این مثل‌ها «پهنای گلیم را به کسی نمودن» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱/۵۱۸) است که در امثال و حکم به معنای کیفر و پادافره کسی را دادن است اما در اصل به معنای واقعیت امری را به کسی نشان دادن است تا بداند اندازه حریم او چقدر است و پا از گلیم خویش درازتر نکند. «بهر حال هرکدام از این دو معنی دال بر این است که افراد عصبانی، باید تنبیه و آگاه شوند تا حرمت‌شکنی نکنند» (اخیانی و سلمانی، ۱۳۹۲: ۵۳-۳۷).

د. **دعا درمانی:** برای کسی که خشمگین شده، معمولاً این مثل به کار برده می‌شود «باید برایت دعا گرفت» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱/۳۷۳) این مثل نشان از تأثیر دعا بر کنترل هیجان به‌ویژه خشم دارد و بارها شنیده شده، به کسی که هیجانات منفی‌اش و به‌ویژه خشمش فروکش کرده می‌گویند «جن‌هایش رفتند» (همان/۸۷۳:۲) این مثل هم می‌تواند بیانگر این عقیده قدما باشد که هنگام خشمگین شدن جن‌هایی در بدن انسان هستند چراکه خشم از جنس آتش و جن از جنس آتش است پس برای از بین رفتن آن تنها راه، گفتن استعاذه و دعا خواندن است.

نتیجه گیری

در پاسخ به سؤال نخست یعنی نحوه نمود خشم در مثل‌ها از دیدگاه روانشناسی باید گفت، این بررسی حاکی از این است که در مثل‌های فارسی و به تبع نگرش گذشتگان، مانند روان‌شناسی جدید هردو وجه این هیجان یعنی خشم مثبت و منفی مشاهده می‌گردد و برای مباحثی مانند عوامل خشم و مدیریت آن هم می‌توان نمونه‌های متعددی یافت پردازش محتوایی خشم در مثل‌ها جامع و به‌تمامی وجوه آن‌که در روانشناسی جدید مطرح شده، توجه شده است.

اما در مورد این سؤال که شیوه بیان آن‌ها بیشتر به صورت تمثیلی است یا لفظی نمودار زیر نشان می‌دهد که در بخش‌های تبیین مفهوم خشم و بیان بیشتر از تمثیل استفاده شده است اما در بیان عوامل و مدیریت خشم جملات به صورت مستقیم و تحت اللفظی هستند.



دلیل این دوگانگی انتزاعی بودن مفهوم خشم است که جهت تبیین آسان آن با توجه به مخاطبان مثل (عامه مردم)، تمثیل به کار برده شده است اما وقتی سخن از راهکارهای آن است برای فهم راحت آن‌ها از انواع جملات خبری و مستقیم استفاده می‌شود؛ بنابراین خودآگاه یا ناخودآگاه شیوه بیان مثل‌ها طوری انتخاب شده‌اند که ارتباط تنگاتنگی با مفهوم دارند و در بیان و انتقال مفهوم موفق بوده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. آران دشتی مقدم آرانی، فاطمه (۱۳۸۹). تصحیح و نقد ابیات عربی امثال و حکم دехدا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات عرب، دانشگاه اصفهان.

۲. اتسلندر، پتر (۱۳۷۱). *روش‌های تجربی تحقیق علوم انسانی*. ترجمه بیژن کاظم‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.
۳. اتکینسون، ریتال؛ هوکسما، سوزان؛ بم، داریل؛ اتکینسون، ریچارد (۱۳۸۴). *زمینه روان‌شناسی هیگارد*، ترجمه مهدی محی‌الدین‌بناب، یوسف کریمی، محمدنقی براهنی، مهرداد بیگ، نیسان گاهان، مهرناز شهرآرای، کیانوش هاشمیان، بهروز بیرشک، رضا زمانی، تهران: انتشارت رشد.
۴. اخیانی، جمیله؛ سلمانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). «توضیح برخی مشکلات در تصحیح جدید تاریخ بیهقی»، *مجله آینه میراث*، دوره ۱۱، شماره ۵۳، صص ۵۳-۳۷.
۵. بلوکباشی، علی (۱۳۷۴). «فولکلور و ضرورت توجه به نقش آن» (مصاحبه)، *آوا*، ویژه‌نامه دهمین سالگرد تأسیس فرهنگ خانه مازندران.
۶. پاترافرون، رونالد؛ پاترافرون، پاتریشیا (۱۳۷۸). *غلبه بر خشم*، ترجمه مهدی مجردزاده کرمانی، تهران: مؤسسه فرهنگی راه بین.
۷. پارسا، سیداحمد. (۱۳۹۳)، *بررسی و تحلیل علمی و ادبی امثال و حکم پارسی*، تهران: پژوهشگاه مطالعات انسانی و علوم فرهنگی.
۸. پلاچیک، روبرت (۱۳۶۵). *هیجان‌ها: حقایق، نظریه‌ها و یک مدل جدید*، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۹. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶). «انواع ادبی در شعر فارسی»، *مجله علوم ادبی*، سال اول، شماره، صص ۲۲-۷.
۱۰. پیوریفوی، رنوا (۱۳۸۶). *غلبه بر خشم: برنامه قدم‌به‌قدم برای برخورد با خشم*، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: اوحدی.
۱۱. جزایری، علیرضا (۱۳۸۷). *مهارت کنترل خشم*، تهران: دانژه.
۱۲. جعفری، مجید؛ احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲). *الگوی کنترل پرخاشگری بر اساس آموزه‌های دینی*، *مجله روان‌شناسی دین*، سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۴ صص ۱۰۸-۸۵.
۱۳. حیدری قاسم‌آبادی (۱۳۹۶). *ابری بشید و نبارید: راهنمای ساده و کاربردی برای مدیریت خشم در زندگی*، ناشر: مؤلف.
۱۴. خان احمدی، محمد؛ مالیر، مریم؛ شهسوارانی، امیرمحمد (۱۳۹۰). *مدیریت خشم در خانواده*، تهران: نشر دانش‌آموز.
۱۵. خدایی عاطفه و محبوبه مباشری (۱۳۹۶). «روایتگری خشم و ترس در حکایت‌هایی از کلیله و دمنه و گلستان». *زبان و ادبیات فارسی*. سال ۲۵. شماره ۲۸ (پیاپی ۸۳). صص ۱۴۲-۱۱۷.
۱۶. خراسانی، صائمه؛ حیدری نوری، رضا (۱۳۹۶). *بررسی عوامل تأثیرگذار در تعیین نوع ادبی، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر (بهار ادب)*، سال دوازدهم شماره سوم پیاپی ۴۵. صص ۱۵۲-۱۲۹.
۱۷. دلاور، علی (۱۳۸۰). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: رشد.

۱۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳). *امثال و حکم دهخدا*، ج ۱، چ ششم، تهران: چاپخانه سپهر.
۱۹. ----- (۱۳۹۰). *امثال و حکم دهخدا*، ج ۲، تهران: پارمیس.
۲۰. ----- (۱۳۹۰). *امثال و حکم دهخدا*، ج ۳، تهران: پارمیس.
۲۱. ----- (۱۳۹۰). *امثال و حکم دهخدا*، ج ۴، تهران: پارمیس.
۲۲. دوال، سی. ناتان؛ اندرسون، اس آ؛ باشمن، بی. جی (۱۳۹۳). *پرخاشگری: مروری گسترده بر دانش کنونی درباره پرخاشگری*، ترجمه بهزاد حسین و یوسف دهقانی، تهران: طلوع دانش.
۲۳. رضائی، ولی و الله و عبداللهی، محمدحسین (۱۳۸۵). «بررسی ارتباط هوش هیجانی با بروز و مهار خشم در دانشجویان»، *ویژنامه انگیزش و هیجان*، دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۷، صص ۶۳-۸۸.
۲۴. ریو، جان مارشال (۱۳۸۸). *انگیزش و هیجان*، مترجم یحیی سید محمدی، چ سیزدهم، نشر ویرایش: تهران.
۲۵. سلطانی منظر و طاهره صادقی (۱۳۹۱). «تصویرپردازی عاطفی خشم و ترس در بوستان سعدی». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. د ۵. ش ۱ (پیاپی ۱۵). صص ۳۲۹-۳۵۰.
۲۶. صادقی، عباس و مشکبید حقیقی محسن (۱۳۸۵). *مدیریت پرخاشگری (با ضمیمه آزمون کنترل)*، رشت: حق‌شناس.
۲۷. طباطبایی، افشین، (۱۳۹۰) *خسوت‌های اجتماعی*، تهران: نشر افراز.
۲۸. غزالی طوسی، ابو حامد محمد (۱۳۶۴). *کیمیای سعادت*، به کوشش: حسین خدیو جم، چ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج دوم.
۲۹. غیاری بناب، باقر (۱۳۸۱). «رابطه عفو و گذشت با میزان اضطراب در والدین کودکان استثنایی و عادی»، *مجله روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۱، صص ۵۶-۷۰.
۳۰. کربلایی علیگل، مریم (۱۳۸۶). *کنترل خشم در خانواده*، تهران: انتشارات پیام‌رسان.
۳۱. گلمن، دانیل (۱۳۷۹). *هوش عاطفی*، ترجمه حمیدرضا بلوچ، تهران: جیحون.
۳۲. میرزا بیگی، حسنعلی (۱۳۸۷). *پرخاشگری و راه‌های کاهش آن*، قم: انتشارات فرا گفت.
۳۳. نی، دبلیو رابرت، (۱۳۸۹). *غلبه بر خشم: مسئولیت خشم خود را بپذیرید*، ترجمه مرجان فرجی، تهران: انتشارات رشد.
۳۴. واسوانی، جی. پی، (۱۳۸۹). *خسومت را بسوزان قبل از آن‌که خشم تو را بسوزاند*، ترجمه شهناز معجیدی، تهران: محراب دانش.



**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**
Islamic Azad University- Bushehr Branch
No. 48 / Summer 2021
<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>
pISSN 2717-431X eISSN 2717-4310



Original Paper Comparison of figurative and literal language of anger in the proverbs of Dekhoda

Simin kheyr¹, Khavarg horbani², Nasrin chire³

Abstract

Investigating the type of expression of concepts in literature is one of the topics that can be effective in influencing and understanding the functions of different genre of literature; therefore, this research based on the theoretical foundations of anger in psychology, first has collects related proverbs in all Persian proverbs in the book Proverbs of Dekhoda. After, collecting and classifying the data, the structure He has studied their language and type of expression from both figurative and literal perspectives, and finally compared these two types of expression and And in answer to the question of whether in proverbs anger is expressed more figurative or literally? It has concluded that more than figurative expression have been used to express the concept of anger and types and its signs, but in the discussion of management solutions, has a higher frequency from direct and literal expression. The reason for this dichotomy is the abstract nature of the concept of anger, which has been used as an figurative for its easy explanation according to popular audiences, but when it comes to its solutions, a variety of news and direct sentences are used to easy understanding of them. The research method is inferential content analysis and the case study is a four-volume book of proverbs and rulings by Dekhoda. Phishing has been used to collect the required data and information and the data analysis method is inductive.

Keywords: Proverbs, Dekhoda, Anger, figurative expression, literal expression.

¹. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Mahabad Branch, Iran.

². Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Mahabad Branch - Iran (Corresponding Author) ghorbanikhavar@yahoo.com

³. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Mahabad Branch, Iran.